

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه نور (جله هجدهم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۹۵/۶/۲۴

هر که عملی انجام می دهد، برای اینکه کارش ابتر نباشد بلند بگوید: "بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ"

کارمان به بقای کامل برسد، **صلواتی** ختم کنید.

می گویند هر انسانی به اندازه وسع و وسعتی که دارد می تواند علم داشته باشد.

می گویند هر انسانی به اندازه وسع و وسعتی که دارد می تواند دوست داشته باشد.

بعضی ها یک قدری می توانند دوست داشته باشند، برخی کمی بیشتر. دوست داشتن هر کسی به اندازه وسع اوست.

هر کسی به اندازه وسعش می تواند مهربان باشد، برخی کمی بیشتر.

ظاهرا مهربانی، دوست داشتن، رضایت و ... تابع آن علم است. هر چه ظرفیت فرد بیشتر باشد، علم و دوست داشتن

و... بیشتر می شود.

ایام عمرمان را به وسیله علم نافع و عمل صالح، صرف وسعت بخشی به خودمان کنیم، **صلوات**

این داستان شرح صدر است. هر کسی بروزاتش به اندازه ای است که شرح دارد.

بزرگترین سینه را حضرت رسول (صل الله علیه و آله) داشتند. برای اینکه خدا به ما هم سعه صدر دهد، زود عصبانی

نشویم، اخلاق مان دچار ضیق صدر نشود، زود خلق مان تنگ نشود و به خود و دیگران را بند نکنیم، **صلوات**

به نظرم استجاب این دعاها مهم تر از حرف های دیگری هست که زده می شود.

برای اینکه وسعت قلب مان و دریافت قلبی مان خیلی زیاد شود، حد آن میل کند به حدی که پیامبران و ائمه داشتند، از دوست داشتن زیاد نترسیم، از دوست داشتن دیگران و مهربانی کردن نترسیم، از عفو و بخشش نترسیم، قلبمان از دادن‌ها تنگ نشود، **صلوات**

هر که در این مجلس حضور دارد، برای اینکه هر حاجتی که در ذهنش هست، به برکت عید قربان و عید غدیر و بهتر از آنچه هست، برای خودش و دیگران مستجاب شود، **صلوات**

✚ «سوغات زیارت عتبات»

قبل از اینکه بگویید از سفر چه خبر؟.. عرض می‌کنم که سفر خیلی خوب بود.

به ائمه علیهم السلام پیشنهاد کردیم به همه کسانی که به ما التماس دعا گفتند یا نگفتند، کسانی که به نوعی با مجموعه مرتبط بوده‌اند، خود حضرات بطور سفارشی، حواله‌هایشان را برایشان بفرستند.

به ما هم حواله نکردند و نشان می‌دهد تک تک به حسابشان واریز کردند. ما که مطمئن هستیم تک تک دعاها مستجاب شده است.

ان شاء الله همه افرادی که در جلسه هستند یا نیستند و قبلا التماس دعا گفتند، در این زیارت شریک باشند.

ما اساسا زیارت فردی بلد نیستیم بکنیم و البته قبول هم نمی‌کنند. ما به نیابت جمع رفته بودیم.

حتما دوستان حداقل یکی از ایام عرفه را به عتبات تشریف ببرند. خیلی حال و هوای حج دارد.

خدا قسمت کند هم حج را و هم حضور در عتبات در ایام عرفه عید قربان را، تا ارتباط این دو را متوجه شویم. کسی که وقوف در منا را می‌بیند از شلوغی آن به وجد می‌آید. کسی که وقوف منا را رفته باشد می‌فهمد هر چه در روز غدیر، کربلا شلوغ تر شود، به قدری که حتی کنار ضریح هم نتواند برود، یا حتی مجبور شود در هتل اطراف حرم هم باشد، آن وقوف معنا دارد.

برای اینکه همه در ثواب این زیارت سهیم باشیم و آن را به عنوان ثواب حج برایمان بنویسند، **صلوات**

در این سفر به نظرم رسید که اگر کسی وظیفه‌اش زیارت نباشد و برود، امکان دارد اثر معکوس بگذارد. زیارتی، سازنده است که فرد بر اساس وظیفه، تعهد و مسوولیت‌اش برود.

اگر کسی شغل و مسوولیتی داشت و آن را ترک کرد و زیارت رفت، آن زیارت برایش حجاب می‌شود.

برخی اعمال، همان قدر که قدرت اتصال معنوی دارند، همان قدر می‌توانند فرد را به تنگنا ببرند.

کسانی که قصد زیارت می‌کنند حتما قرض‌های مالی و مسوولیتی‌شان را ادا کنند و الا سفر زیارتی برایشان خاصیتی ندارد.

این خاصیت امام است. کسانی را می‌پذیرد که چیزی به ذمه‌شان نباشد.

سعی کنیم هیچگاه چیزی به ذمه‌مان نباشد تا هر وقت امام خواست برویم.

یکی از مهمترین مسائلی که در حوزه امامت به ما گفته شده این است: «میتنا لم یمت ، غائبنا لم یغب؛ مرده‌های ما مرده نیستند، همانطور که غائب ما هم غائب نیست.»

هر کدام از ائمه علیهم السلام را زیارت می‌کنیم، در حقیقت خود آن امام را زیارت می‌کنیم، نه ضریح‌شان را.

این یعنی هر وقت بخواهیم با امام زمان (عج الله تعالی فی فرجهم) ارتباط داشته باشیم، می‌توانیم. این خیلی تکان دهنده است.

خب، امام را دیدی، با امام چه کار داری؟

بد است که امام را ببینی و با ایشان کاری نداشته باشی یا یاد نداشته‌هایت بیفتی!

به ماه محرم نزدیک می‌شویم. حضرت مسلم اگر به فکر این بود که بچه‌هایم را چه کنم و ... و به فکر این نبود که سفیر امام باشد و کاری برای امام بکند، و به فکر این بود که امام کاری برای او بکند و ... (میتوانست سفیر امام بشود؟!)

[باید در محضر امام، سوالمان این باشد که] کجا شیعه‌ای هست که باید دستش را بگیرم؟ چه کاری برای گسترش اسلام باید انجام بدهم؟

اگر بنا شد زیارت چنین حرفی داشته باشد باید از الان کاری که برای امام می‌توانم انجام بدهم را بشناسم و رصد کنم. [مثلاً] زبان و ... یاد بگیرم که اگر گفتند برو یک کشور آفریقایی یا یک محله محروم یا یک مسجد محروم و... این آمادگی را داشته باشم تا امام بگویند کاری برایشان انجام دهم.

در زیارت برای کاری قرآن را باز کردم، آیه ۷۶ سوره نحل آمد:

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»

خدا مثال دو نفر را زد که یکی کور مادرزاد است و قادر به هیچ کاری نیست و سربار صاحبش نیز هست. هر چه این طرف و آن طرفش می‌کنند کاری از وی بر نمی‌آید.

می‌خواهند فرد را به مناطق محروم بفرستند، صبرش را ندارد. می‌خواهند آفریقا بفرستند، توانش را ندارد. می‌خواهند ... هر چه این طرف و آن طرفش می‌کنند، کاری بلد نیست!

امیرالمومنین (علیه السلام) آدمی می‌خواهد که زیارت می‌رود، توان امر به عدل و امر به صراط مستقیم را داشته باشد. این خیلی سخت است.

این آیه در این سفر شعار ما شد. باید از حالت «کل» بودن خارج شویم. وقتی زیارت می‌رویم، ماموریت بگیریم و برگردیم. نه اینکه حاجت بگیریم و برگردیم.

باید برای زیارت آماده شد که وقتی می‌رویم با ماموریت بگیریم نه حاجت.

برخی رفتارهایی که با معصومین علیهم السلام داریم به خاطر نشناختن امام است. البته آنها بزرگوارتر از این هستند و اگر حاجتی داشته باشیم، صد در صد آن را می‌دهند.

آیه ۷۶ سوره نحل باید همیشه جلوی چشم ما باشد.

خدایا ما را از حالت «ابکم» بودن خارج کن که «کل» بر مولایمان نباشیم.

برای اینکه اینگونه باشیم، باید:

عدل را بشناسیم و به عدل امر کنیم.

صراط مستقیم را بشناسیم.

در عتبات تعدد امام هست. متاسفانه تفاوتی بین ائمه برای ما وجود ندارد.

چه یک امام، چه پنج امام، برای ما تفاوتی ندارد. حرفمان با همه، یکی است. این، کفران نعمت است. اگر خدا چهارده معصوم داده حتما هر کدام وجهی دارند.

باید قبل از زیارت کار کرد تا آنجا بتوان استفاده کرد مثل اینکه باید بذر را اینجا و الان پاشی و آنجا برداشت کنی.

برای اینکه ائمه برایمان تمایز پیدا کنند، باید:

اول: بخواهیم که ائمه را بشناسیم. باید این موضوع در ذهن مان باشد.

دوم: برای این موضوع تلاش کنیم، دست و پا بزنیم.

خواندن کتاب تحف العقول در این زمینه توصیه می شود. در این کتاب مختصری از خطبه‌ها و کلمات قصار هر یک از ائمه آورده شده است. با خواندن آنها می توان به ویژگی هایی که خداوند برای هر یک از اهل بیت قرار داده، پی برد.

نمی شود جلسه بگذاریم و برای هم از ویژگی هایی که از طریق این خطبه‌ها و کلمات قصار دریافت می شود صحبت کنیم. هر کسی باید خودش با امامی ارتباط بگیرد.

سطح علمی آدم‌ها متناسب با سطح ارتباط با اهل بیت است و به سطح رشدی آنها بستگی دارد.

خواندن تحف العقول را به نیت اینکه خدا هر کدام از ائمه را در کدام وجه برای ما قرار داده، انجام دهیم.

مشاهده اهل بیت از مسیر ادعیه هم راه دیگری است که پیچیده تر است.

باید آدم برای شناخت اهل بیت هزینه کند. وقتی می‌گوید «مِئْتَنَا لَمْ يَمُتْ» یعنی پول جمع می‌کنی تا بروی خدمت امام و مسئله‌ات را بررسی. کسی نگوید ارتباط ما با اهل بیت زیاد است، بگوییم می‌آیند.

نمی‌خواهم بگویم زیارت از راه دور نداریم اما به هر حال آدم باید ادبی داشته باشد..

خدا برای ارتباط مستقیم هم خاصیتی گذاشته. همه‌اش از راه ارتباط دور نمی‌شود. البته تند و تند زیارت رفتن هم درست نیست. مواظب باشید در افراط و تفریط نباشید.

با امام جواد علیه‌السلام بخواهی رفیق شوی، حتما باید با آقا حرفی داشته باشی. علم می‌تواند وجه ارتباط باشد. محبت تابع علم است.

بدون سوال نمی‌توان ارتباط را وسعت داد. علم است که می‌تواند ارتباط را وسعت دهد و بیشتر کند.

محبت هم می‌تواند ارتباط را طولانی و بیشتر کند اما محبت هم محصول علم است.

خدا در ائمه وجه‌های متفاوت و متمایزی قرار داده است. نیاز ما باید به تک تک این ذوات مقدس فعال شود.

باید احساس کنیم خدا، جبلی، این نیاز را در ما فعال کرده که به هر کدام از ائمه نیاز داشته باشیم.

تمایز، نتیجه تکامل است. هر چه نیاز به تمایز در ما کمتر باشد یعنی تکامل مان کمتر است.

باید حرکت ما به سمت جلو باشد. باید علمی پیدا کنیم که ما را به اهل بیت نیازمندتر کند.

نشانه علم نافع این است که تمایز را در انسان بیشتر کرده و نیاز به اهل بیت را نیز در او ارتقا می‌دهد.

اهل بیت چه در زمان حیات‌شان و چه در زمان ما مظلوم بوده و هستند. هیچ علمی بدست نیاورده‌ایم که سوالش نزد

اهل بیت باشد که آنها باید جواب بدهند. باید به سمتی برویم که این علم را بخواهیم که ما را به اهل بیت وصل کند.

چند نکته پایانی از سوره مبارکه نور:

۱. «سوره انزلناها و فرضناها...»

سوره نور را نازل و واجب کرده... همه این آیات فرض و واجب است.

۲. حدود هفتاد، هشتاد موضوع در این سوره آمده که حجاب، یکی از آنهاست. باید به همه موضوعات توجه کرد و مجموعه موضوعات سوره نور را دید.

۳. بی حجابی یکی از مولفه‌هایی است که دشمن روی آن دست می‌گذارد و جامعه را به انحطاط و فحشا می‌کشاند.

۴. دأب قرآن در معرفی انسان‌ها در جامعه به این شکل است:

الف) اهل کتاب که باید مالیاتی برای اهل کتاب بودنشان پردازند.

ب) مومن کامل الایمان

ج) مومن ضعیف الایمان

که هر دو مورد ب و ج در قرآن، با خطاب «یا ایها الذین آمنوا» یاد می‌شوند.

خداوند ادبش، در قرآن خیلی بالاست.

ما باید به منطق سوره‌ها برگردیم. این کار ما را از افراط و تفریط‌ها نجات می‌دهد.

مثلا در سوره نور درباره مومنی که رفتار مناسبی نداشته و حتی می‌توان به او وصله چسباند هم می‌گوید مومنات غافلات.

حتما باید در سوره بروی و ادب خدا را در آن سوره کشف کنی.

این یعنی بر اساس این سوره، بدحجابی مساوی بی عفتی نیست.

۵. حجاب مثل امنیت است در بیوت.

خانه‌ها الان حرمت ندارد. از حریم داشتن خانه‌ها می‌توان به عنوان مثلی برای حجاب یاد کرد. مثل انسان باحجاب، مثل آن خانه‌ای است که حرمت دارد. افراد در خانه به هم نور قرض می‌دهند.

✓ (در این جلسه بخش‌هایی از کتاب "حجاب از موضوع تا مسئله" تالیف مدرسه دانشجویی قرآن خوانده و در باب آن مطالب ارزشمندی در این زمینه بیان گردید. جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب مربوطه)

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات